

حال، همه "وحدت ملی" میخواهند!

فواد عبداللہی



عراقچی در اشاره به سخنان خامنه ای در خصوص فضای پسابرجام میگوید: "برجام معجزه نمیکند، بلکه دولت و ملت باید دست در دست هم داده و تلاش کنند تا توسط اقتصاد مقاومتی موجبات پیشرفت کشور را فراهم نمایند..."

۱- این روزها محور سخنان خامنه ای و سران دولت اعتدال و کل اپوزیسیون پرو رژیم، تماما حول و حوش شعار "وحدت ملی" و "حفظ امنیت" نظام می چرخد. حق هم دارند؛ نتیجه انتخابات با ادغام معتدلین هر دو جناح در مجلس، نشان داد که اتحاد و نزدیک شدن سیاسی جناحهای بورژوازی ایران در قدرت، شرط بقاء نظام در خندق برجام است. تصور اینکه جمهوری اسلامی بدون این اتحاد طبقاتی در بالا میتواندست در دوران پسابرجام دور جدیدی از اختناق و استبداد را بازتولید کند و بدین ترتیب پایین را به کنترل خود درآورد، دور از واقعیت است. هر شکاف و جدال جدی در بالا، اینبار از درون خود، نه سبز و رهبران مفلوک دوحرداد و اصلاح طلب، که بی تردید فرجه و فرصتی برای تعرض توده ای از پایین را فراهم میکرد. دولت اعتدال و مجلس معتدل نیاز امروز هر دو جناح جمهوری اسلامی است. هر دو خوب فهمیده اند که اگر قرار است باشند، باید مستقل از همه اختلافاتشان، با هم کنار آیند و باید نظامشان یعنی جمهوری اسلامی سرپا باشد. بی جهت نبود که در انتخابات ایندوره شان بر خلاف همه دوره ها، نه کشته ای در صفوفشان دادند، نه کسی را حذف کردند، نه مقرراتی را از نو تعریف کردند و نه دعوائی کردند. آسه آمدند و آسه رفتند؛ هالالویا خواندند و به همدیگر تبریک گفتند و به امید سکوت از پایین در انتظار برکات برجام، گیلای هایشان را سر کشیدند! مارکت تبلیغات حول معجزه انتخابات اما، بیش از دو روز دوام نیاورد! حقیقتاً نیز، راه افتادن بازار چنین پروپاگاندهای توخالی تنها مختص این رژیم نیست. دستگاه امنیتی اعلیحضرت هم شعار "وحدت ملی" سر میداد و تجربه آن "میثاق ملی" را انقلاب ۵۷ کف دستشان گذاشت...

صفحه ۳

تصویب حداقل دستمزد سال آینده مجوز کار برده وار خانواده های کارگری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

"این تصمیم برپایه مصالح کارگر، کارفرما و کشور تعیین شده و با این نرخ افزایش، کار و تولید به رونق می رسد... که با تفاهم کامل با نمایندگان کارگری و کارفرمایی تعیین شده است"

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد مصوبه حداقل دستمزد سال آینده.

کار، اعلام کرده است که: حداقل تعیین شده دستمزد کارگران در سال آینده، ۸۱۲ هزار تومان است. رقمی که طبق محاسبات خود مراجع قانونگذاری معادل یک سوم خط فقری است که مجلس آن را ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان اعلام کرده است! به این ترتیب قدرت خرید کارگران رسماً و قانوناً یک سوم خط فقر تعیین شد! رسماً اعلام شد که: معلوم است و همه میدانند که کمر جامعه کارگری در حال حاضر زیر فشار فقر و بیکاری و چند شغلی دارد می شکنند، اما برای بالا بردن بارآوری کار، در شرایط امروز که "دوران رونق" نیست و "نظام نیازمند" است، باید طبقه کارگر این سطح و استاندارد و توقع از زندگی را بپذیرد، و تداوم و گسترش هرچه بیشتر پدیده کارگر دو شغله و سه شغله، تنها راه بقا در ایران پسابرجام است! وقیحانه اینکه، این سند را بعنوان سندی در مورد "افزایش" دستمزد، نامیده اند. این حداقل، حداکثری است که دولت امید و اعتدال و دوست

شورایعالی کار طی تشریفات و مراسمی، در غیاب نمایندگان طبقه کارگر ایران، با پیچاندن دست همان سه نماینده خودگمارده "کارگری" برای گذاشتن امضا پای "توافقات" هشت نفره دولت و کارفرما، و با شمولتی بازیهایی که مسئولین و وزرا جمهوری اسلامی ایران در آن مهارت ویژه ای دارند، سرانجام از نظر خود حداقل دستمزدها در ایران را برای سال آینده، تعیین کرد.

مستقل از محتوای توافقات، نامگذاری این بالماسکه، به مذاکره و توافقات "سه جانبه" دولت و کارفرما و "نماینده" کارگران، توهین و بی احترامی به هر بالماسکه ای است. رسانه های دستگاهی حکومت، گوشه هایی از آنچه که در این به اصطلاح مذاکرات هشت ساعته بین دولت و کارفرما و سه نماینده غربال شده و حکومتی "کارگران" گذشته است، را به نحو مضحکی به نمایش گذاشته اند. تا جایی که وصله پینه کردن تهدیدها و گروکشی های نمایندگان دولت و کارفرما برای گرفتن امضا همان سه "نماینده" غربال شده "کارگران" و گذاشتن نام آنها پای این سند بردگی خانواده های کارگری، به موضوعات داغ رسانه های "کارگری" خود رژیم تبدیل شده است.

طی این مراسم شورایعالی

گزارشی از مراسم روز جهانی زن

تشکیلات خارج کشور حزب
حکمتیست (خط رسمی)
واحد نروژ صفحه ۲

غرب و پسا برجام، در مقابل طبقه کارگر ایران گذاشته است. حداکثری که طبعاً تنها شامل طبقه کارگر و مزد بگیرانی است که برای امرار معاش ناچار از فروش نیروی کار خود هستند، و شامل طبقات دیگر نیست! این سند و مصوبه، در مورد دریافتی های وزا و نمایندگان و اعضا مجالس شورا و خبرگان و شورای مصلحت و مدیرکل زندان ها و فرماندهان سپاه و... نیست. برای بورژوازی در قدرت و نمایندگان در مجالس و وزارت خانه ها و بیت رهبری و سپاه و سازمان زندانها، دریافتی ها جدول متفاوتی دارد و با شاخص های متفاوتی جز هزینه مسکن و سبد معیشت خانواده و ... میزان خط فقر، تعیین میشود! شاخص میزان تعیین دریافتی صاحبین این مشاغل، با میزان مهارت و تخصص در انقیاد نگاه داشتن آنهاست که باید ثروت و محصول و خدمات و رفاه تولید کنند، تعیین میشود. ... ←

معیشت؛ جدال مرگ و زندگی

مونا شاد

دوشنبه ۱۷ اسفند در اقدامی جنایتکارانه همراه با تعدادی حاجی بازاری شکم سیر و اجیر، دستفروشان خیابان جمهوری را مورد ضرب و شتم قرار میدهند. این اوباشان، پیام مجلس نشینان جدید و دولت اعتدال را با خود همراه داشتند "گشایش اقتصادی" میل کنید! باید کور بود و ندید که تمام وعده وعیدهای این دولت در حق محرومان جامعه ... صفحه ۴

در دوران پسابرجام، در حالیکه پدیده بیکاری میروید که به یک اپیدمی خانمانسوز در ایران تبدیل شود، در حالیکه میلیونها نفر یا از کار بیکار شده اند یا به دستفروشی و تن دادن به سخت ترین کارها روی آورده اند؛ در حالیکه فحشاء و تن فروشی و اعتیاد بیداد میکند، در حالیکه زندگی میلیونها خانواده کارگری با کابوس اخراج و بیکاری عجین شده است، شهرداری تهران روز

آزادی برابری حکومت کارگری

گزارشی از مراسم روز جهانی زن

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) واحد نروژ



ده ها شعار رادیکال دیگر نیز سر داده شد. نهایتاً تظاهرات کنندگان با برگشتن به محل اصلی تجمع خود در میدان کارگر به کار خود پایان دادند.

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

زنده باد سوسیالیسم

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) - واحد نروژ
۸ مارس ۲۰۱۶، ۱۸ اسفند ۹۴

آزادخواه و برابری طلب در این مراسم حضور داشتند. فعالین و کادرهای حزب با در دست داشتن پلاکارد و پوسترهایی به مناسبت هشت مارس، همراه با جمعیت حاضر، مسیر میدان کارگر به سمت خیابان پارلمان را راهپیمایی کردند. همچنین در طول مسیر شعارهایی با مضمون "شش ساعت کار روزانه کافی است" "کار برابر، دستمزد برابر و محیط کار امن" و

میان صحبت های خود به وضعیت اسفباری که میلیون ها آواره جنگ زده از خاورمیانه را مجبور به فرار کرده، پرداختند و متذکر شدند که بخش عظیمی از این آوارگان را زنان و کودکانی تشکیل می دهند که هیچ نقشی در شرایطی که به آنها تحمیل شده است را نداشته اند و باید از هیچ کمکی در حق آنان دریغ نکرد.

در ادامه نیز یکی از سخنرانان مشخصا به وضعیتی که در پنج سال اخیر کشور سوریه را به مرز نابودی کشانده است پرداخت و بار دیگر نقش و اهمیت و همدلی مردم آزادخواه و صلح طلب اروپا را در کمک کردن به قربانیان اصلی جنگ در سوریه یادآور شد. تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) - واحد نروژ، به همراه ده ها نفر از زنان و مردان

روز سه شنبه، ۸ مارس ۲۰۱۶، برابر با ۱۸ اسفند ۹۴، به مناسبت روز جهانی زن، مراسم گرامیداشتی از ساعت ۶ بعد از ظهر تا ۸ شب در میدان کارگر شهر اسلو برگزار شد.

این مراسم که به فراخوان کمیته هشت مارس نروژ و همچنین بسیاری از سازمان ها، احزاب و نیروهای مترقی و آزادیخواه انجام گرفته بود با حضور گسترده طیفی از مردم آزادخواه و برابری طلب همراه شد.

در این مراسم، از طرف کمیته هشت مارس نروژ سخنرانی هایی ایراد شد که سخنرانان ضمن تأکید بر اهمیت و جایگاه هشت مارس، خواست های برابری طلبانه و رفع هر نوع تبعیض و ستم بر زن و از بین بردن نابرابری های اقتصادی، اجتماعی و ... را یادآور شدند. همچنین سخنرانان در

تصویب حداقل دستمزد...

مهارت در این زمینه هرچه بیشتر، دریافتی بالاتر!

تحمیل فقر و ناداری و بیکاری و روزکارهای ۱۸ و ۱۹ ساعته برای "بارآوری کار" و رونق و مصالح نظام، را باید در دامان "کارآفرینان" در واقع صاحبین سرمایه، نمایندگانشان در دولت و بیت رهبری و مجلس و وزارت خانه های مربوطه گذاشت! کسانی که صاحب نظام اند و گرداندن آن بر مبنای استثمار و بردگی مزدی، شریان حیات شان است.

کارگر مسئول بالا رفتن بارآوری کار و رونق اقتصادی و مصالح کشور (بخوان مصالح طبقه حاکم و صاحبین نظام) نیست. در نظام سرمایه، کارگر فروشنده نیروی کار، همچون هر فروشنده نیروی کاری، کالایش را، کار و نیروی کارش را باید در رابطه ای برابر، متمدنانه، متشکل و در هر شرایطی، جنگ یا صلح، با بالاترین نرخ ممکن، بفروش برساند! این قانون حاکم بر مناسبات کالایی است که برای همه فروشندهگان کالا صدق میکند، اما نوبت به فروشندهگان نیروی کار که می رسد، خدا و مسجد و مصالح مملکت و خطر دشمن خارجی و ضرورت رشد و ... همه به کمک صاحبین سرمایه و دولت اش می آیند تا کارگر را به فروش هرچه ارزان تر و تا حد یک سوم خط فقر نیروی کارش، یعنی تنها دارایی و کالایی که دارد، بکشاند! هیچ کارگری نباید این اراجیف را

که از قبل کار کارگر، پول و سرمایه و سود به جیب می زنند، شایسته آفرینندگان ثروت و نعمت در جامعه نیست.

طبقه کارگر ایران، در مقابل این تحقیر، مضاف های مهمی در پیش رو دارد. شال و کلاه کردن های ولی فقیه و رئیس جمهور اعتدال و همه حواریون "سکولار اسلامی" آن در اپوزیسیون، علیه طبقه کارگر، دعوت به فداکاری و تحمل فقر و بی حقوقی بیشتر برای نجات نظام و برای توسعه و سازندگی بعد از برجام، اقتصاد مقاومتی و ... همه و همه برای مقابله با اعتراضات در جریان طبقه کارگر علیه این تعرض به توقع انسانی کارگر از معیشت و رفاه است.

طبقه کارگر، فی الحال اعتراض خود به این سند بردگی و تحقیر راه، که پژواک آن در کریدورهای جلسات شورایی کار هم شنیده میشود، آغاز کرده است. کارگران کمونیست، باید در صف این جدال برای هرچه بیشتر متحد و متشکل کردن کارگران، به میدان بیایند.

سال آینده، برای طبقه کارگر، سال تحمل زندگی یک سوم زیر خط فقر نیست! سال تعرض برای افزایش دستمزدها، برای رفاه و آزادی و امنیت است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)

۱۳ مارس ۲۰۱۶

شورای عالی کار از سه به پنج، میراث احمدی نژاد است تقدیم به دولت امید و اعتدال برای هرچه بیشتر به حاشیه راندن همان معدود مقامات کاغذی و فرمایشی "نمایندگان" کارگری! نشستی مرکب از ترکیب عجیبی، که در آن کارفرما و دولت فی الحال هشت به سه در مقابل همان نمایندگان دستگاهی و کاغذی کارگری صف می بندند، تا با هم بر سر تنظیم سند بردگی خانواده های کارگری توافق کنند. این نشست به روشنی اتصال بنیادین دولت احمدی نژاد و روحانی را در مقابل حتی مقام ناچیز و دست ساز کارگر در مراسم های دستگاهی حکومت راه، به خوبی در مقابل صحنه گذاشت!

این مصوبه، سند همچنان پایین نگاه داشتن رسمی قدرت خرید و مزد و سهم کارگر از ثروت تولید شده خود است! آن را باید بدور انداخت. مگر نمی گویند که دستمزدها را افزایش داده اند! از همین نقطه باید گریبان شان را گرفت و خواهان افزایش فوری دستمزدها شد! به سطحی هرچند بالا تر که توان مبارزه مستقل و متشکل امکان میدهد! باید مجبورشان کرد که همه جا دستمزدها را اضافه کنند و بعلاوه به همه زنان و مردان آماده به کار بیمه بیکاری مکفی پرداخت کنند. این فشار تنها و تنها به نیروی اعتراض متشکل و متحد خود کارگران عمل میکند و باید متحد و متشکل با آن مقابله کرد.

اگر یک سوم خط فقر شایسته زندگی انگل ها و مفت خور هایی باشد

یک لحظه از کسانی که تنها با کار طبقه کارگر و استثمار و به جیب زدن سود حاصل کار، زنده اند، بخرد! رابطه طبقه کارگر ایران با بورژوازی و نماینده اش در قدرت، مستقیم تر و سراسر تر از این شانتاژهایی است که صاحب نظران و مفسرین و اقتصاد دانان بورژوازی، تلاش میکنند به خورد این طبقه بدهند.

هرگاه جناب فرسنگانی و خاتمی و روحانی و بیت امام و سپاه و وارد کنندگان و فروشندگان پورشه و مازراتی و خودروهای لوکس تهران، صاحبین بنگاههای تجاری و مالی و تولیدی، به خاطر مصالح مملکت و بالا بردن بارآوری کار و حفظ نظام و "نشاط و شادی محیط کار"، حاضر شدند تمام داریی های خود را فقط برای یک سال حراج کنند و ارزان تر از خط فقر بفروشند، آن گاه میتوانند انتظار داشته باشند که کارگر هم تنها کالا و دارایی اش، که نیروی کارش است، را طبق سند شورای عالی کار، حراج کند و مفت بفروشد!

نشست پر درد و مفتضحانه هشت ساعته شورای عالی کار، متشکل از ۵ نماینده دولت و سه نماینده کارفرما، در مقابل سه "نماینده" غربال شده کارگری، آنهم از تشکلات دست ساز دولت، برای تصویب سندی مورد توافق خودشان برای در بردگی و انقیاد نگاه داشتن خانواده های کارگری، نمایش کاملی است از رابطه طبقه کارگر ایران با هیئت حاکمه آن!

افزایش تعداد نمایندگان دولت در

حال، همه "وحدت ملی"...

تمام رژیمهای مختنق، ضد کارگر و کمونیسم و ضد آزادیخواهی، در همه جای دنیا و بویژه در دوران بحرانی امروز که بورژوازی بین المللی در برزخی از بی افقی اقتصادی و ایدئولوژیک دست و پا میزند، از این شعارها سر میدهند. اما در دنیای واقعی که طبقات و جنبشهای اجتماعی با منافع کاملاً متضاد در برابر هم صف کشیده اند، در جامعه ای که برای تعیین تکلیف سیاسی مدام در غلیبان گاه آشکار و گاه پنهان است، بی معناتر و عوامفریبانه تر از شعار "وحدت دولت و ملت" نمیتوان یافت.

۲- این دوره اگر تفاوتی با دوره های سابق حیات جمهوری اسلامی داشته باشد در اینست که اوضاع آشفته و تکه پاره خاورمیانه، آن ریسمانی است که امروز دولت اعتدال بدان آویزان شده است. این جمهوری ادامه عمر خود را مدیون سناریوی سیاه خاورمیانه، استفاده از خطر داعش، خطر جنگ با دول مرتجع منطقه مانند عربستان، هراس از نا امنی، و تبدیل ایران به سوریه و لیبی است. این مهمترین سرمایه زندگی همه شان است.

"انتخابات" و "برجام" و "امنیت" و "گشایش سیاسی و اقتصادی"، از همان روز اول هم نسخه های سوخته ای بودند که به قول عراقچی قرار نبود "معجزه کنند". قرار نبود برجام در ایران واقع در خاورمیانه ای که جزو بالاتکلیفترین مناطق جهان است و از بنیاد نامعین و غیر قابل اتکا است و به این اعتبار، از نظر بورژوازی و دول غربی در ته لیست صدور سرمایه و انتقال تکنولوژی است، "معجزه کند".

سرمایه گزاری جمهوری اسلامی روی تحولات سیاه منطقه، تنها ابزار به تمکین کشاندن جامعه به استبداد سیاسی و "رضایت" به فشار اقتصادی است. پذیرفتن بد (نظام) در مقابل زشت (خطر داعش) و قبول "امنیت در سایه حکومت"، پرچم این دوران تعرض کل بورژوازی ایران و نماینده آن در قدرت یعنی جمهوری اسلامی، است. وگرنه دوران "گشایش سیاسی و اقتصادی، آری یا نه" روی همان کاغذ جراید هم به پایان رسیده است.

۳- حال نه فقط دولت اعتدال که کل اپوزیسیون بورژوازی و ملی - اسلامی علیرغم هر اختلاف تاکتیکی، میدانند که نباید فرصت ابراز وجود سیاسی به کارگر و کمونیسم در آن جامعه داد. معنی برجام، "وحدت دولت و ملت" و اقتصاد مقاومتی همین است. سرکوب کارگر و کمونیسم، این منفعت بنیادین همه جناح های رژیم و کل بورژوازی ایران است که همه آنها را بناگزیتر تحت نام کمپ سرمایه داری و ارتجاع در ایران در برابر حکومت کارگری و راه حل سوسیالیستی کارگران، متحد میکنند. اینجاست که وحشت "آقا" از خطر "نفوذی" ها و تاکید بر "اقتصاد مقاومتی" در دوران پسابرجام، دو روی یک سکه میشوند. مخاطبش در حقیقت همه کسانی است که با خطر عروج کمونیسم و کارگر در صحنه سیاست ایران خصومت دارند. خامنه ای دارد به دوستانش در درون و بیرون نظام، غلیبان مطالبات اقتصادی و رفاهی کارگران را هشدار می دهد. مهم نیست مصباح و یزدی هم در خبرگان نمانند؛ مهم نیست که نیم بیشتر آن جامعه در انتخابات شرکت نکرد و لگد محکمی به نمایش این اوباشان زدند. مهم نیست که حتی توهمی به بقایای جناح های جمهوری اسلامی در جبهه اکثریت مردم ایران باقی نمانده باشد. حتی برایشان مهم نیست که جمهوری اسلامی بلحاظ ایدئولوژیک در مقابل جامعه عقب نشسته باشد. مهم اینست که از دشمن اصلی و خطر اصلی غافل نشوند. کیست که نداند به کرسی نشاندن حتی یک فقره از مطالبات رفاهی و اقتصادی طبقه کارگر، پرچم بورژوازی ایران و دولت اعتدالش را پایین خواهد کشید؟!!

۴- در غیاب یک کمونیسم متشکل و متحزب بعنوان آلترناتیوی قدرتمند و قابل اتکا، دولت اعتدال و مجلس یکدستش برای سرکوب و به سکوت کشاندن غیر "خودی" ها در دوران پسابرجام و با سرمایه گزاری روی تحولات سیاه منطقه، متحد و قاطعانه مانور خواهند داد.

اسم رمزشان هم "وحدت دولت و ملت"، "حفظ امنیت جامعه" و مقابله با "نفوذ" است. عبور از این حلقه محاصره تنها در گرو متحزب شدن آن نیروی اجتماعی و طبقاتی است که آزادی، برابری و رفاه را همین امروز میخواهد.

آزادی؛

(بخشی از "منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران")

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.
- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل.
- آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند.
- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.
- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده.
- تأمین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی جامعه در سطوح مختلف.
- برابری کامل و بی قید و شرط کلیه شهروندان ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی. کلیه ساکنین کشور، مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، یا اعتقادات مذهبی، اعضای متساوی الحقوق جامعه اند و در دسترسی به همه امکانات جامعه، برابرند.
- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استتکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی.
- مصونیت زندگی خصوصی افراد - مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت.
- مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

سوسیالیسم و حکومت کارگری بیان حقیقی کل این تحول اجتماعی است. تنها در این صورت است که "وحدت دولت و ملت" خامنه ای و شرکاء در اولین گامهای تعرض کارگران به نظام سرمایه داری دود می شود و به هوا می رود. این کابوسی است که جمهوری اسلامی و اپوزیسیون طرفدارش از آن رهایی نخواهند یافت.

حزب حکمتیست، نیروی پیشرو این جنبش اجتماعی برای کسب رفاه و امنیت و قدرت سیاسی است و مصمم است که این وحدت دروغین و کاغذی

حکمتیست را توزیع و پخش کنید!

حکمتیست را بدست کارگران

برسانید!

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

کارگران جهان متحد شوید! Workers of The World Unite!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

معیشت؛ جدال مرگ و...

پوچ و تو زرد از کار در آمد. نتیجه برجام شد ریاضت اقتصادی و ترس از سوریه ای شدن ایران به شرط امنیت و ماندن نظام! گزارش ها حاکیست شهرداری دست به یک عملیات سازماندهی شده زده و چندین ماه است که گستاخانه به جان دستفروشان افتاده است. آنها را کتک می زند و بساط شان را به یغما می برد. حمله به کارگر و حتی در مواردی شلاق زدن آنان در ملا عام تحت حکومت وحشی سرمایه در ایران پدیده جدیدی نیست. اینبار رژیم دست به ضرب و شتم ضعیف ترین حلقه طبقه محروم جامعه زده که تمام سرمایه شان تنها به اندازه بقیچه ای کوچک است. چندی پیش دستفروشی در اعتراض به وحشیگری جیره خواران شهرداری در برهم زدن بساطش در مقابل دیدگان همه در شلوغ ترین محوطه میدان انقلاب خود را به آتش کشید. تاکنون شواهد زیادی از مجروح و زخمی شدن، حتی شکستن اعضاء بدن و درگیری ها گزارش شده است. در این دنیای وارانیه، حکومتی که سرتاپا دزد است و هر روز پرونده ای از اختلاس های کلان سران و مهره های مفت خور این جناح و آن جناحش افشا می شود، برای زیر فرش کردن دزدی هایش حتی به دست پرورده هایش هم رحم ندارد و سرشان را زیر آب می کند. کارگران بیکار و دستفروشان را به جرم امرار معاش مورد حمله قرار می دهند.

رضا قدیمی مدیر عامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل تهران، افاضه فضل نموده و گفته: "از فردا صبح دستفروشان اجازه کار در خیابان های جمهوری و ولیعصر را نخواهند داشت و نیروی انتظامی از دستفروشی در این خیابان ها جلوگیری خواهد کرد و در صورت لزوم متخلفان را دستگیر خواهند نمود." سینه چاکان و اصلاح طلبان دولت اعتدال و فمنیست های اسلامی تشنه مقامی در مجلس، که برای حفظ و آبروی نظام به هر فریبکاری، دغل بازی و بی شرمی روی آوردند و کسانی را که مخالف شرکت

در انتخابات بودند، برچسب پاسیو زدند و گفتند اینان در ایجاد بهبود شرایط جامعه قدم بر نمی دارند، آزادیخواهان را محکوم به آرمانگرایی کردند که مخالف پیشرفت حداقل ها هستند، بسیار خب! حال که هم قوه مجریه و هم قوه مقننه را هم در اختیار دارید، بهانه ای برایتان نمانده و باید پاسخگو باشید. آن "امنیت" و "دموکراسی" که قرار بود با رفتن تان به مجلس به ارمغان بیاورید، کجاست؟ کجای دنیا تلاش برای بدست آوردن لقمه ای نان و سیر کردن شکم گرسنه خانواده جرم است و تخلف محسوب می شود؟! در کجای همین دنیای وارونه سرمایه داری اگر کار کنید تهدید به دستگیری و ضرب و شتم می شوید؟ در کدام دولت اعتدال و امیدوی بجای پرداخت بیمه های بیکاری و پرداخت حقوق سوسیال برای تأمین معیشت زندگی، مردم بیکار و بدون شغل را در خیابان ها کتک می زنند؟ امروز خانم احمدی خراسانی در مقابل همان خانم دستفروشی که قبل از انتخابات به سراغش رفته بود و در مدح و توجیه اینکه اگر ۵۰ درصد نمایندگان مجلس زن باشند وضعیت بهبود پیدا میکند، چه خواهد گفت؟! از امروز سه شنبه قرار است همان زن دستفروش نه تنها امیدی به خانه دار شدن و زمانی برای آسایش و آرامش و کمک هزینه برای بچه دار شدنش از نماینده آینده مجلس که بقول خانم خراسانی یک خواست نامربوط است، بلکه همان دستفروشی است که از این هفته از ترس اوباش شهرداری و تهدیدهای مغازه داران شکم سیر، باید با مرگ دست و پنجه نرم کند، زنانی که قرار است شهرداری از این هفته آخرین امیدها و تلاش هایشان برای تأمین مخارج شوهر بیمار و کرایه خانه شان را از دست آنها برآید و از فردا هیچ چیزی برای فروش نخواهند داشت به جز جسم و تنشان را!

محال است خانم خراسانی اینبار جرات یابد مستقل و بدون حمایت نیروی انتظامی و گشت خواهران زینب، میان زنان دستفروش با فراخ بال بگردد و میکروفون بدست بگیرد و برای اصلاح

رفاه؛

(بخشی از "منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران")

- رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است. برای تأمین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر را، که بسرعت قابل تأمین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.
- تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران
- بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم
- برقرار فوری حداقل ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)
- تعطیلی دو روز متوالی در هفته
- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال
- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال
- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سالی که فاقد حقوق بازنشستگی هستند
- حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. آرایه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی
- تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.
- تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران، استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و...) برابر با مزد متوسط کارگر.
- در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

"منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران" را بدست بگیرید!

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

و اصلاحیگری نظام تبلیغ کند. ایشان و همقطارانشان بهتر است از هم اکنون در مقابل موج گرسنگان در فکر دست و پا کردن سوراخ موشی باشند.

www.hekmatist.com
سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com
تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com

قدرت طبقه کارگر در تخریب و شکل اوست!